

سنت‌های بومی؛ کلید توسعه گردشگری (مطالعه فرهنگ و سنت‌های بومی شهر بجنورد)

پریسا بهاران، محمدرضا احمدی*

۱- دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، ایران

۲- *نویسنده مسئول، استاد گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، موسسه آموزش عالی اشراق، واحد بجنورد، ایران
Email: S.B.Shargh.Co@gmail.com

چکیده

معماری هر سرزمین ریشه در ادب و فرهنگ آن سرزمین دارد. بدون شناخت گستره‌ی ادب و فرهنگ مردمانی که در پهنه‌ی آن سرزمین زیسته‌اند، نمی‌توان به چونی‌ها و چندی‌ها پی برد. در این مقاله سعی بر آن است تا با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی تأثیر فرهنگ و سنت‌های بومی شهر بجنورد بر جذب گردشگران و ارائه راهکارهایی جهت استفاده از سنت‌های بومی متأثر از فرهنگ در شرایط امروز پردازیم. شناخت الگوها و سنت‌های بومی شهرها می‌تواند به منزله‌ی شناخت جامعه باشد. سفر کردن فرصت، نعمت و سرمایه ارزشمندی است، لیکن عدم توجه به این مقوله می‌تواند اثرات مخربی بر روحیه و حتی زندگی افراد داشته باشد. با توجه به اینکه مسیر پرتردد مشهد-تهران به جهت زیارت زائران به سمت مشهد و سیاحت و استفاده از فضای سرسبز شمال به سمت مازندران، این جاده در تمامی فصول سال پذیرای مسافران است. متأسفانه صنایع دستی این استان به مردم شناسانده نشده و این مسئله فکر را درگیر نموده که چرا چنین آثار و صنایع زیبا و منحصر به فردی که به دست هنرمند مردم و روستاییان این خطه تهیه می‌شود این چنین گم و نادیده مانده است! چه بسا روزی برسد که صنایع دستی شهر زیبایمان بجنورد با مردمی شاد و مهمان‌نواز به تمام مردم کشور و حتی جهان معرفی و به رونق اقتصادی شهر و استان کمک شود و روزی برسد که توریست‌ها به قصد سفر به استان زیبای خراسان شمالی رهسپار این شهر شوند و نه فقط برای گذر از این مسیر ...

کلمات کلیدی: سنت‌های بومی، گردشگری، معماری و فرهنگ، صنایع دستی، بجنورد

۱. مقدمه

آداب و رسوم، آینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن در هر جامعه و به‌عنوان یکی از بارزترین و شاخص‌ترین عناصر هر فرهنگ محسوب می‌شود. همیشه و در هر تمدنی، بازار مبادله اجزای فرهنگی، رونق دارد و آداب و رسوم نیز به‌عنوان جزئی از فرهنگ، از این قاعده مستثنا نبوده و در جریان این تبادلات، دچار تغییر و تحول و نیز تأثیر در فرهنگ دیگر شده است. برخی بر این باورند که با توجه به رشد روزافزون جهانی‌شدن، هویت‌های خرد قومی ناگزیر در فرهنگ واحد جهانی مستحیل خواهند شد؛ اما گروهی دیگر معتقدند که جهانی‌شدن نه تنها باعث از بین رفتن قومیت‌ها نخواهد شد، بلکه با ابزاری که در

اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، موجبات رشد خودآگاهی قومی را فراهم کرده، منجر به تقویت جنبش‌های قومی می‌شود. صنایع دستی یکی از قدیمی‌ترین و پر پیشینه‌ترین فعالیت‌های بشری است که به‌موجب برخی از اسناد و مدارک تاریخی، سابقه پیدایش آن به عصر حجر می‌رسد. حاصل کاوش‌های باستان‌شناسان حکایتگر آن است که از آغاز زندگی بشر بر روی زمین ساخت ظروف و پارهای ابزار مصرفی دیگر نظیر نیزه و خنجر به‌عنوان وسیله شکار یا اسباب دفاع، از جنس سنگ، آهن، مس و بالاخره پوست، پشم و کرک حیوانات و همچنین ایاف گیاهی رواج داشته است شواهدی در دست است که نشان می‌دهد صنایع دستی از قدمتی در حدود ۱۲۰۰۰ سال برخوردارند. در اواخر نخستین دوره زندگی اقتصادی-اجتماعی بشر، تغییراتی در صنایع دست‌ساز رخ داد و در سیر تحول تاریخی و تحولات فنی و ظهور انقلاب صنعتی اروپا صنایع و حرفه‌های دستی به‌یک‌باره دچار چنان تحول و دگرگونی عظیمی گردید که بسیاری از این صنایع در ممالک کانون انقلاب صنعتی رو به نابودی گذاشت. همیشه آیین‌هایی وجود دارند که فکر می‌کنیم باید آن‌ها را برای فرزندانمان حفظ کنیم، زیرا باعث می‌شوند حس کنیم به یک سرزمین و سنت تعلق داریم؛ اما تحولات پرشتاب جهانی همچون جهانی‌سازی، شهرنشینی و تأثیرات رسانه‌ای منجر به شبیه شدن رفتارها و سبک زندگی، نابودی تنوعات فرهنگی و حتی گرایش به تجاری‌سازی فرهنگ در میان اقوام و گروه‌های اجتماعی شده است.

با توجه به مشکل انسان امروزی و مشکلات هویتی که مکان‌های زیستی دارند و انسان خود را متعلق به محل زندگی نمی‌داند، بنابراین باید در شهرسازی توجه داشت که عوامل هویت‌دهنده شهر و محله حفظ شوند و البته این حفظ کردن نباید فقط محدود به کالبد آن شود، بلکه باید آن‌ها را زنده ساخت و فعالیت‌هایی را نیز در آن جاری ساخت و نباید به بهانه حفظ این بناها استفاده از این بناها را کنار گذاشت و فضاهای مرده‌ای به وجود آورد. از طرف دیگر باید با شناخت، تبلیغات و فرهنگ‌سازی عناصر تاریخی شهرها به مردم شناسانده شود و نباید وضعی مانند امروز پیش آید که به مردم یک محل عناصر آن مکان شناخته شود بلکه در این راه می‌توان با توجه خاص به صنعت توریسم در بخش بناهای تاریخی به موفقیت‌های فراوانی در بخش‌های مختلف همچون صنعت گردشگری و درآمد‌های حاصل از آن در گسترش فعالیت‌های اقتصادی دست یافت. در بسیاری از کشورهای جهان صنعت توریسم و گردشگری بسیار اهمیت دارد و توریسم صنعت اول آن‌ها محسوب می‌شود درحالی‌که در ایران باوجود بناهای تاریخی فراوانی که در اقصی نقاط آن وجود دارد، اهمیت زیادی به آن داده نمی‌شود. در بجنورد مکان‌های طبیعی و تاریخی زیادی وجود دارد و می‌توان با توجه و توسعه آن باعث جذب گردشگر در این شهر شده است.

۲. فرهنگ

فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه است برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیرواقعی. فرهنگ همواره نرم‌افزار است و تمدن شامل آن و سخت‌افزارهاست. به عبارت ساده‌تر فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند. فرهنگ از آن مردم است؛ ادوارد تایلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲) فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند. هر منطقه از هر کشوری می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد. فرهنگ به‌وسیله آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ درحالی‌که ژنتیک به‌وسیله وراثت منتقل می‌شود. همچنین فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه است برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیرواقعی. فرهنگ همواره نرم‌افزار است و تمدن شامل آن و سخت‌افزارهاست. مثلاً گفتگو به زبان فارسی یک راهکار است بر رفع نیاز رودررو سخن گفتن و زبان چینی راهکاری دیگر برای مردمانی دیگر برای رفع همین نیاز است (۴).

فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان در یک جامعه است. فرهنگ دربرگیرندهٔ این چیزهاست:

۱. سازگاری کلی با نیازهای غریزی و فطری و اقتصادی یا محیط جغرافیایی پیرامون؛
۲. سازمان مشترکی که برای فرونشاندن نیازهای اجتماعی و سیاسی که از محیط پیرامون بر خواسته‌اند، پیداشده است؛
۳. مجموعهٔ مشترکی از اندیشه‌ها و دستاوردها.

فرهنگ شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است. فرهنگ‌ها دارای عناصر بسیارند که به‌طور آمیزه و نامیزه‌ی معنایی در جامعه شناورند و درست از میان خودآگاه و ناخودآگاه هوشیاری اجتماعی عبور می‌کند. مردم برای تغییر فرهنگی خود لازم است زحمت زیادی بکشند؛ زیرا فرهنگ خواهان مانایی است؛ اما رسانه‌های جمعی می‌تواند آن را از راه بیگمان تغییر دهد. در برابر فرهنگ، نافرنگ است و عبارت است از آنچه جامعه با آن تعامل دارد ولی فرهنگ نیست؛ مانند اقلیم، آب‌وهوا، ژن، حوادث، وجود یا عدم منابع طبیعی، سنت‌های الهی، بیماری‌ها و ... (۷).

۳. فرهنگ ایران

هویت قومی را بر بنیاد شناسه‌های فرهنگی نظیر زبان، مذهب، آداب‌ورسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌کنند که با آن افراد با تمام یا برخی جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند. پژوهشگران علوم اجتماعی در اوایل قرن بیستم، علایق و هویت‌های نژادی، قومی و زبانی را اغلب نوعی واپس‌گرایی و ناپهنجاری تاریخی قلمداد می‌کردند که در برابر کمونیسم، تسلیم و نابودشده، یا در چارچوب نهادهای لیبرال-دموکرات ادغام و حل می‌شود. قومیت بازمانده از مراحل اولیه‌ی تحول جامعه انسانی به شمار می‌رفت که دیر یا زود از میان خواهد رفت (۹). چنین پنداشته می‌شد که با گسترش نظام سرمایه‌داری، استقرار دولت‌های ملی، افزایش سطح مراودات و اطلاعات، رشد شهرنشینی، افزایش سطح سواد و آموزش و فرایند جامعه‌پذیری، هویت خواهی‌های قومی به بایگانی تاریخ سپرده خواهد شد. این مدعا با طرح نظریه‌های مربوط به جهانی‌شدن، پشتوانه نظری قوی‌تری یافت. گمان می‌رفت که فرایند جهانی‌شدن، به‌ویژه جهانی‌شدن فرهنگ، به استقرار و حاکمیت یک فرهنگ بر گستره‌ی گیتی منجر شود و فرهنگ‌های بومی و شیوه‌ی زیست خرده‌فرهنگ‌های قومی و حتی زبان آن‌ها به فراموشی سپرده شود (۱۲).

درباره‌ی شمار اقوام در ایران، اتفاق نظر وجود ندارد. بر اساس مشهورترین روایت، ایران، شش هویت عمدهٔ قومی: فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب دارد. هرچند برخی نیز با توجه به ریشه‌های زبانی مشترک، هویت‌های قومی را تنها به سه گروه زبان‌های فارسی، ترکی و عربی تقسیم می‌کنند. زیرا زبان فارسی رایج، با لری و کردی و بلوچی از یک خانواده هستند که بر اثر گذر زمان از هم فاصله گرفته‌اند. درحالی‌که برخی دیگر، لرها را که در میانه‌ی کرد و لر قرار دارند نیز قومی جدا محسوب می‌کنند و یا تاها که در میانه سه قوم فارس، آذری و تالش قرار دارند (۸).

هویت قومی و هویت ایرانی

آنچه ما امروزه هویت ایرانی می‌نامیم، اختصاص به قوم خاصی ندارد. نضج، دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی، در طول تاریخ، مدیون گروه‌های مختلف قومی نظیر کردها، ترک‌ها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و عرب‌ها بوده است. چراکه هریک با افزودن لایه‌های هویتی فرهنگی به دیرپایی، غنا و عظمت آن افزوده‌اند. مؤلفه‌های مثبت یا منفی این هویت تنها متأثر از یک قوم نبوده، بلکه در تعامل با همه‌ی گروه‌های قومی شکل گرفته است. به این لحاظ، هویت فرهنگی مردم ایران، فرهنگ و هویت گروه‌های قومی مختلف بوده که در گذر زمان شکل یگانه، واحد و فراقومی - در حد و اندازه یک ملت کهن دیرپا

– یافته است. هویت ایرانی و هویت قومی اقوام این سرزمین، به صورت مجزا از همدیگر تعریف نمی‌شوند، بلکه شناسه‌ها و عوامل مختلفی این دو را به هم پیوند داده، به صورتی که تفکیک آن‌ها مشکل و غیرممکن شده است (۱۰).

هویت ایرانی بر دوپایه و اساس مهم استوار است: ۱. میراث فرهنگی ۲. میراث سیاسی.

میراث فرهنگی از دو بخش تشکیل شده است: الف) آداب و رسوم ایرانی نظیر نوروز، سیزده بدر، چهارشنبه‌سوری، جشن مهرگان و در دوره جدیدتر آیین مبین اسلام ب) میراث مکتوب. هرچند برخی اقوام ایرانی مانند آذری‌ها، کردها و عرب‌ها دارای زبان خاص خود هستند، زبان فارسی همواره زبان ملی این اقوام بوده است. بسیاری از شعرا و نویسندگان اقوام مختلف مانند نظامی گنجوی و شهریار به زبان فارسی آثار ماندگاری به جای گذاشته‌اند. میراث مکتوب زبان فارسی، میراث صاحبان هنر تمام اقوام این سرزمین است و فقط مخصوص فارس زبانان نبوده و نیست. میراث سیاسی ایرانی، قدمتی چند هزارساله دارد. اقوام ایرانی مانند کردها، بلوچ‌ها و ... همگی ایرانی‌اند و سابقه حکومت و حکمرانی در این کشور را داشته‌اند. مادها، کرد بوده‌اند. هخامنشیان، فارس، کریم‌خان زند، لری بود و صفویه و قاجاریه، ترک بوده‌اند. لذا خطوط تاریخ ایران در انحصار قوم و ملت خاصی نیست (۱۰).

عوامل اصلی شکل گرفتن فرهنگ ایران را می‌توان در امپراتوری پارسیان (هخامنشیان)، دوران شاهنشاهی ساسانیان سلطه اعراب، حملات مغول و دوران صفوی جستجو کرد. برای شناخت فرهنگ ایران باید به کشورهای مستقلی که در پیرامون ایران هستند نیز نگریم. افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و حتی ارمنستان و گرجستان و همچنین کردهای عراق و ترکیه و پاکستان همگی کم یا زیاد گوشه‌ای از فرهنگ ایران را به ارث برده‌اند. حتی سرود ملی پاکستان به زبان پارسی است (۶).

در مجموع می‌توان عناصر فرهنگ ایرانی را که فراتر از مرزهای سیاسی ایران است به اختصار چنین برشمرد: ۱- زبان پارسی و دیگر زبان‌های ایرانی ۲- اعیاد ملی از جمله نوروز و شب یلدا و تقویم هجری شمسی ۳- دین اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع ۴- دین‌ها و آیین‌های زرتشتی و مهرپرستی ۵- هنر ایرانی (ادبیات و شعر پارسی، معماری ایرانی و غذای ایرانی) ۶- فرهنگ‌های محلی اقوام ایرانی (۶).

۴. استان خراسان شمالی، نگین سرسبز شمال شرق ایران



وجه تسمیه بجنورد

بجنورد در اصل **بیژن گرد** به معنی ساخته شده به وسیله بیژن بوده است. این اسم بسیار قدیمی است، زیرا گرد به معنی شهر و آبادانی است، بنابراین بجنورد شهر بیژن معنی می دهد.

بعدها بیژن گرد، بیژن یورد نامیده شده و در تواریخ بزنجد ثبت گردیده است و بر اثر تحولات آوایی به بیجن یورد تبدیل شده و سرانجام به شکل بجنورد تغییر پیدا کرده است. با توجه به مطالب مطالعه شده در کتاب های معتبر تاریخی، این نکته به نظر می آید که اسم بجنورد کلمه قدیمی نیست و به سه تا چهار قرن پیش بازمی گردد. ولی این بدان معنی نیست که گمان رود بجنورد شهری بی نام و نشان بوده و بدون پیشینه تاریخی است، بلکه اگر در مورد تاریخ شهر بجنورد تحقیقاتی به عمل آوریم، باید پیرامون اسامی مانند کهنه کند، بزهان و چرمغان بگردیم و در صورت تحقیق در مورد پیشینه شهرستان به دنبال اسامی مانند نسا، ابیورد، نیشابور و ... بگردیم (۳).

کلیم الله توحیدی در مورد وجه تسمیه بجنورد می گوید: بجنورد تحریف شده ی بژنورت می باشد که یک نام کردی است که پس از آمدن کردها به خراسان به یادگار بژنورت قدیم در شخرد واقع در سرزمین قفقاز که مسکن ایل شادلو بود، در اینجا نهاده شد. این نام عبارت است از دو واژه بیژن و یورد، یعنی جایگاه و سرزمین بیژن (۱۱).

مختصری در مورد دوران بسیار قدیم بجنورد

- ۱- بررسی های یک نفر دیرین شناس به نام نیپولت در سال های ۱۹۷۵-۱۹۷۴ بر بستر کشف رود نشان داد، در حدود ۶۰۰ هزار سال پیش، اولین جرقه های آگاهی ذهن بشر در این منطقه درخشیده است و انسان های ساکن در کرانه دریاچه ای که در آن دوران بر قسمتی از دره کشف رود گسترده بود، توانسته اند برای نخستین بار ابزارهای خشن از سنگ بتراشند.
- ۲- در دوران میان سنگی یعنی از حدود هشت هزارتا بیست هزار سال پیش تنها مکان شناخته شده در خراسان منحصر است به تپه پهلوان در جاجرم که نشان از وجود تمدن قدیمی در منطقه خراسان شمالی می باشد.
- ۳- در هزاره های پنجم و چهارم قبل از میلاد سملقان و جاجرم، مسکن و ماوای جمعی از ساکنان منطقه ی بجنورد بوده است.
- ۴- در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد، بجنورد بیشترین جمعیت را تا آن دوران در خود پذیرا شده است، زیرا مهاجران آریایی وارد این منطقه شده اند که آثاری نیز از این دوره باقی مانده است (۳).

زمینه های پیدایش و مقر و موضع شهر بجنورد در ادوار تاریخی

دشت بجنورد که شهر بجنورد در بخش میانی آن گسترده شده است، دارای وسعتی نزدیک به ۱۰۰ کیلومتر مربع می باشد. هرچند وسعت دشت بجنورد و قابلیت های آن محدودتر از دشت هایی همچون دشت قوچان، شیروان و مشهد می باشد ولی همین منابع به نسبت محدود نیز می توانست تشکلهایی پایدار را ایجاد نماید به طوری که در شرایط مساعد سیاسی اقتصادی و در روند نسبتاً طولانی، یکی از این مراکز زیست انسانی مرکزیت یافته و خود را در مقیاس یک مرکز برتر مطرح کند، بنابراین منابع طبیعی قابل بهره برداری در دشت بجنورد اعم از آب و خاک و اقلیم نسبتاً مناسب و علفزارها و مراتع، به مثابه منابع درونی زمینه های اولیه ایجاد گسترش مراکز زیست انسانی را در ادوار تاریخی فراهم می آورد که با توجه به ارزش های فضایی نظیر موقعیت جغرافیایی، قرارگیری دو دالان طبیعی ارتباطی خراسان به مازندران و همچنین فاصله کافی از سایر حوزه های متمرکز زیستی در دشت های قوچان و شیروان به مراتب تقویت شده و رد مقیاس ناحیه ای مزیت های نسبی

خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این برخی ملاحظات سیاسی، موقعیت سوق الجیشی شمال خراسان و محدودیت‌های ارتباطی آن و تکاپوی موجود در جاده تاریخی ابریشم نیز بر این ارزش‌ها می‌افزوده است (۳).

۵. بجنورد در قرن بیست و یکم

پس از لایحه دولت آقای خاتمی، با مصوبه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان در بهار سال ۱۳۸۳ به مرکزیت شهر بجنورد در استان خراسان شمالی رسماً به‌عنوان یکی از استان‌های کشور عزیزمان ایران تأسیس گردید.



شکل (۱). موقعیت جغرافیایی
خراسان شمالی در ایران

موقعیت جغرافیایی

شهرستان بجنورد با وسعتی حدود ۱۱۳۶۰ کیلومترمربع از نظر موقعیت گستره شمال شرق ایران و استان پهناور خراسان واقع گردیده و گذرگاه شمالی این استان به شمار می‌رود. بجنورد از شمال و شمال خاوری در نواری به طول ۱۹۷ کیلومتر با جمهوری ترکمنستان دارای مرز مشترک بوده، از شرق با شهرستان شیروان و سمت جنوبی آن به اسفراین و جاجرم و از غرب به استان گلستان محدود می‌گردد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۳ بخش (مرکزی راز و جرگلان مانه و سملقان و گرمخانه) و چهارده دهستان و ۹۶۰ روستا می‌باشد. ارتفاع این ناحیه از سطح دریا ۱۰۱۰ متر است و به دلیل وسعت و وجود ارتفاعات از جمله آلاداغ، سالوک، یامان داغی، کور خود، می سی نو و دره‌ها و دشت‌های وسیع از جمله مانه و سملقان، بجنورد و گرمخان، دارای اقلیمی معتدل با زمستان‌های سرد و تابستان‌های نسبتاً ملایم است. اترک مهم‌ترین رودخانه این منطقه می‌باشد و از دیگر رودخانه‌های آن می‌توان فیروزه، ارکان، بازخانه، شیرین دره چند سومبار و ... را نام برد. شهرستان بجنورد به سبب تنوع آب و هوایی دارای وسیع‌ترین جنگل‌ها، مراتع و گونه‌های گیاهی است و درختانی چون ارس، بلوط، کرکو، انواع گرامینه، زرشک، باریجه، بیدگون، درمنه و ... در پوشش جنگلی و گیاهی آن به چشم می‌خورد (۴).

موقعیت شهری

شهرستان بجنورد با ۸۱۱۵۷۲ نفر جمعیت طبق آمار سال ۱۳۸۵ در شمال خراسان واقع شده است. در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۹ شورای نگهبان لایحه تقسیم استان پهناور خراسان را به سه استان تأیید نمود که ریاست محترم مجلس هفتم مصوبه را به حیات دولت جهت اجرایی کردن لایحه اقدام نمود و در حال حاضر شهر بجنورد به‌عنوان مرکز استان خراسان شمالی می‌باشد (۵).

امکانات این شهرستان شامل شرکت پتروشیمی، کارخانه سیمان، شهرک صنعتی، کارخانه پنبه، تربیت‌معلم، دانشگاه پیام نور، حوزه علمیه، دانشگاه عالی دولتی، دانشگاه دولتی پرستاری و مامایی، فرودگاه بین‌المللی و ... و تفرجگاه‌های بزرگ بابا امان و بش قارداش و شهربازی و پارک‌های شهری و بیش از سه بیمارستان مجهز می‌باشد (۴).

پیشینه تاریخی

شهر کنونی بجنورد: در سال ۱۱۰۰ هجری قمری به دست تولی خان دوم یکی از امرای اکراد طایفه شادلو، بنا گردیده است. در فتنه حسن خان سالار در سال ۱۲۶۳ این شهر به طور کلی ویران شد و فرزندان تولیخان آن را از نو بنا کردند که این شهر شامل قسمت‌های زیر بوده است:

۱- حصار و باروی شهر: مک گریگور

توصیف نسبتاً دقیقی را از حصار و باروی بجنورد ارائه می‌دهد: شهر بجنورد را می‌توان به شکل مربعی توصیف کرد که به فاصله دو مایل از کوهستان شمالی قرار گرفته است. در ضلع شمالی تپه‌ای است که شهر در اطراف آن ساخته شده و بر فراز آن اقامتگاه ایلخانی است که طبق معمول ارگ شهر نامیده می‌شود. از چهار طرف، دیواری نسبتاً خوب شهر را محصور کرده که در مقایسه با بخش مسکونی، زمین‌های وسیعی را احاطه کرده است. به گونه‌ای که در ضلع جنوبی و غربی فضاهای باز وسیعی تقریباً به طور کامل غیرمسکونی باقی مانده است. این فضاها با دیوارهای داخلی از بخش مسکونی جدا شده‌اند. در سمت غرب، دیوار سومی دیده می‌شود که به هیچ علتی، از باغ خان به سوی جنوب کشیده شده و بین دیوار خارجی و دیوار داخلی فوق‌الذکر، واقع است. شهر چهار دروازه دارد. با آنکه شهر سه دیوار دفاعی دارد، قادر به مقاومت چندانی نباید باشد، زیرا حصارها مانند هر جای دیگر در این مملکت ویران شده‌اند و قابل مرمت نیستند. آب شهر را به آسانی می‌توان قطع کرد و در ضلع شمالی، قسمت‌هایی از ارتفاعات بر شهر مشرف‌اند. در بخش جنوبی خیابانی که به ارگ منتهی می‌شود، رودخانه کوچکی جاری است. در اینجا چند درخت کاشته شده که سایه‌ای دلپذیر ایجاد کرده‌اند.

۲- برج منظر:

برج منظر که تنها برج دیده‌بانی شهر بجنورد در دوره صفویه محسوب می‌شده، بر فراز تپه‌ای در شمال شهر ساخته شده بود. این برج در مرکز ارگ حکومتی قرار داشته و دورتادور آن را حصار قلعه و خندق‌هایی فراگرفته بود. این برج به شکل شش ضلعی، از خشت و گل ساخته شده و دارای پنج طبقه بوده است. در طبقات بالا پنجره‌هایی به چهار جهت گشوده می‌شد که از آن برای دیده‌بانی و تیراندازی استفاده می‌گردید. پیدا شدن گلوله‌های توپ در زمین‌های مجاور برج حاکی از اهمیت نظامی و سوق‌الجیشی منظر در مقابله با مهاجمان در سده‌های اخیر بوده است. این برج بیش از ۱۲ متر ارتفاع داشته و دو طبقه فوقانی منظر بر اثر اصابت صاعقه در سال‌های گذشته فروریخته است. این بنای مستحکم تا دهه ۴۰ همچنان پابرجا بوده که در جریان احداث خیابان به کلی ویران گردیده است.

۳- دروازه‌ها:

از ابتدای بنای شهر قدیم بجنورد، این شهر دارای چهار دروازه در چهار جهت بوده، که دروازه مشهد در شمال، دروازه قبله در جنوب، دروازه قوچان در شرق و دروازه گرگان در غرب شهر قرار داشته است. صنایع‌الدوله نیز اسامی این دروازه‌ها را در مطلع الشمس آورده است.

۴- ارگ حکومتی:

در نزدیکی دروازه شمالی شهر بجنورد، ارگ مستحکمی در آغاز قرن دوازدهم هجری قمری دوره صفویه به وسیله امیران ایل شادلو بنا گردیده بود. ارگ روی تپه‌ای بنا شده است که حدود یک صد و پنجاه یارد مربع وسعت دارد. فاصله آن با دروازه شمالی یک صد یارد است و زمینی با شیب ملایم به سمت جنوب، پایین می‌رود.

تا سال ۱۳۰۰ هجری قمری قسمت‌هایی از این ارگ همچنان پابرجا مانده و **صنیع‌الدوله** درباره آن می‌نویسد: قلعه ارگ بجنورد که حالا بقیه‌ای از آن باقی است، از آثار برج و بارو معلوم می‌شود که شکلی مربع‌مستطیل داشته و در طرف طول، شش برج و در طرف عرض، چهار برج داشته است. سوای دو برج طرفین دو دروازه که یکی رو به جنوب و دیگری رو به شمال است، دروازه شمالی و همان دروازه قوچان است که ذکر شد. عمارت حکومتی که مسکن آباء و اجداد یار محمدخان سهام الدوله بوده است. در سال ۱۳۰۳ هجری قمری این بنای دویست‌ساله، رو به ویرانی می‌نهد.

۵- محله‌ها:

سال ۱۳۰۰ هجری قمری، بجنورد دارای یازده محله به اسامی: محله شهر تازه، محله دروازه قوچان، ساربان محله، سر محله، محله شیخ محمدتقی، محله حاجی ملا نقی، محله حاجی ابراهیم، محله مسجد حاج محمدخان، محله سلطان، دروازه گرگان و محله وسط بوده است.

۶- بازار و خیابان‌های بجنورد:

در سال ۱۲۸۴ هجری قمری، بجنورد ۱۵۰۰ خانه گلی با بام‌های مسطح و ظاهری مخروطی داشته است. در اینجا چهار خیابان اصلی دیده می‌شود. یکی از دروازه قبله شروع شده، ضلع غربی ارگ را دور می‌زند و سپس به دروازه مشهد ختم می‌شود. دیگری از دروازه قوچان آغاز و به صورتی نامنظم در شهر امتداد می‌یابد و در غرب به دروازه گرگان می‌پیوندد. ۱۶ سال بعد صنیع‌الدوله بازار و سیمای شهر را چنین توصیف می‌کند: بازار شهر عبارت است از یک خیابان وسیع طولانی که تقریباً در وسط شهر و از شمال به جنوب امتداد یافته است.

جمعیت آن کمتر از ده هزار نفر و دارای پانصد و شصت باب دکان، شش مسجد، هفت حمام، یازده محله و چهار دروازه است؛ اما در نظر کلنل بیت انگلیسی: بجنورد چیزی نبود جز دهکده بزرگ و بی‌دروپیکر که بازار طولی از میان آن می‌گذشت. در این شهر تجارت رونقی نداشت و چند مغازه هم که موجود بود، فقط می‌توانست جوابگوی نیازهای محلی باشد. کیف‌های کوچک ابریشمی شاید تنها چیزی بود که به‌وفور در این ناحیه یافت می‌گردید.

۷- مساجد:

بجنورد دارای مساجد متعددی بوده که صنیع‌الدوله شش باب از معروف‌ترین آن‌ها را نام برده است: مسجد جامع، مسجد بالا، مسجد دروازه قوچان، مسجد میان بازار، مسجد دروازه گرگان و مسجد ممدکلانتر. علاوه بر تکایا و حسینیه‌ها، خیرات خانه‌هایی نیز در بجنورد وجود داشته که می‌توان از خیرات مجاور دروازه قبله نام برد.

۸- حمام‌ها:

در بجنورد قدیم، هشت باب حمام به اسامی، حمام مرمر حکومتی، حمام آزاد خان، حمام شهر جدید، حمام فراش‌باشی، حمام کلانتر، حمام میان بازار و حمام حاجی‌آقا وجود داشته است.

۹- باغ‌ها و عمارت‌ها:

عمارت‌های حکمرانان و امرای بجنورد در داخل باغستان‌های بزرگی که چهارسوی شهر را دربرمی‌گرفت، بنا گردیده بود. شماری از این باغ‌ها در داخل حصار شهر و برخی از آن‌ها در بیرون شهر قرار داشتند. این اواخر محمدخان سهام الدوله، در ابتدای ضلع غربی شهر که به‌طرف شمال است، در محلی که باغ مرحوم یزدان قلی خان پدر معزی الیه بوده، عمارتی عالی بنا کرده و خیابانی وسیع با چهار جدول ساخته که در باغ مزبور شروع کرده و تقریباً هزار و پانصد قدم

امتداد یافته و فی الحقیقه از مواضع متنزه و تفرجگاه اهالی بجنورد است. عرض خیابان دوازده زرع و کنار جدول آن انوار اشجار سایه‌دار از قبیل بید، سپیدار و چنار غرس کرده‌اند. بعضی باغات دیگر نیز در حوالی شهر می‌باشد. از جمله باغ دلگشا که در طرف شمال شرقی جلگه و شهر که مرحوم جعفرقلی خان ایلخانی احداث نموده و چند باغ در عرض یکدیگر در سمت جنوب شهر است. از جمله یکی باغ امیر گونه خان است که حالا از سلیمان خان پسر یار محمدخان سهام الدوله می‌باشد، یکی باغ حیدرقلی خان سهام الدوله، باغ علیمردان خان پسر نجفقلی خان، باغ قهارقلی خان پسر نجفقلی خان، باغ محمدرحیم خان، باغ آزاد خان، باغ فرحزا و علاوه بر باغات مزبور، باغستانی در سمت شرق جلگه واقع شده که معروف به باغستان حاجی است. تمامی ناحیه بسیار تمیز و پاکیزه نگاه داشته شده بود، چیزی که در سایر نقاط ایران نمی‌توان شاهد آن بود.

۱۰- عمارت حکومتی:

در میان باغ سرسبزی واقع در شمال شهر بجنورد، عمارت حکومتی سهام الدوله قرار داشته است. پس از عبور از یک خیابان سنگفرش و عریض و گذر از زیر سر درب زیبای دوطبقه‌ای، عمارت نمایان می‌شود. چند تن از سیاحان در سفرنامه‌هایشان به این بنا اشاره نموده‌اند. از جمله ناصرالدین شاه در سفرنامه دوم خود می‌نویسد: آخر خیابان و آخر شهر، خانه سهام الدوله است، وارد خانه شدیم، دیوان خانه، قشنگی بسیار خوبی دارد. حوض طولانی خیلی خوب و خوش وضعی در وسط خانه است. حوض خانه خیلی خوبی دارد. قنات مخصوص هم دارد که از توی همین حوض به قدر دو سه سنگ آب صاف خوب درمی‌آید. وسط حوض خانه هم حوض قشنگی دارد که آب صاف بسیار خوبی در کمال لطافت از توی آن می‌جوشد. تمام زمین و حوض و دیواره حوض خانه از مرمر است. حمام کوچک خوش وضع مرمری هم دارد. در خود بجنورد معدن سنگ مرمر وجود دارد؛ اما مرمرش به لطافت و صفای مرمرهای معادن دیگر نیست. الحق عمارت و حوض خانه و باغچه سهام الدوله در کمال سلیقه ساخته شده است.

۱۱- قنات‌ها:

از قنات‌های معروف بجنورد می‌توان، از قنات جاجرمی، حسن بیگ، معصوم زاده، بابا خان، بازار، حسین پهلوان، کاریز کلثوم خانه، امیریه، حاج محمد اسماعیل، آقا میرزا محمود، شیر و صدرآباد نام برد. قنات صدرآباد پرآب‌ترین آن‌ها بوده که هنوز جاری است. جلگه بجنورد با چشمه‌ها، رودها، جنگل‌ها و کوه‌های بلندی که گردآورد آن را چون نگینی در برگرفته‌اند، از جمله زیستگاه‌های مناسب در بخش شمال غربی خراسان می‌باشد. در جای دره‌های حاصلخیز رشته کوه آلاداغ، واقع در جنوب شهر بجنورد، از گریوان گرفته تا اسدلی و سر حصار کلاته نقی، نشانه‌هایی از سکونت اقوام بومی و آریایی در هزاره اول پیش از میلاد مسیح به دست آمده است. وجود تپه‌های باستانی (سریوان) و (تاتار) و (بدرآتلو) و تپه‌های (بلبل) و (حصارگرمخان) در حاشیه رود اترک متعلق به هزاره اول قبل از میلاد پیشینه تاریخی تمدن بجنورد را به سه هزار سال پیش می‌رساند و پژوهش‌های مقدماتی انجام شده بر روی سنگ‌نگاره (تکه) بیانگر حیات و تمدن در حداقل پنج هزار سال پیش در این نواحی است. تپه باستانی (سرخرمن) برج، در ۲ کیلومتری غرب بجنورد با قدمتی سه هزارساله، خرابه‌های شهر (بیژن‌یورد) یا (کهنه‌کند) در ۲ کیلومتری غرب بجنورد، بازمانده از روزگار اشکانیان، حاکی از وجود مراکز تمدن بشری در پیرامون شهر کنونی بجنورد بوده است. بجنورد که تا پیش از حمله مغول (چرمغان، چهارمغان) نامیده می‌شد، یکی از شهرک‌های آباد (نسا) بوده و قدمت آن به پیش از اسلام می‌رسد. شهر قدیم چهارمغان، تپه‌های (معصوم زاده) و بخشی از (قلعه عزیز) را در برمی‌گرفته و از جنوب به (تپه چغورباغ) و (بش‌قارداش) و از شمال شرقی با (تپه‌های صندل‌آبا) ارتباط داشته است. شهر چرمغان در سال ۶۱۷ هجری قمری به دست مغول‌ها ویران گردید. این شهر در طی تاریخ، حیات پرتلاطمی را از سر گذرانده

و از امکان تداومی مستمر بازمانده است. مجهولات بسیاری درباره بجنورد و آثار نهفته در دل خاک آن وجود دارد که حل آن مستلزم کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی و مددگیری از پژوهش‌های تاریخی، جغرافیای طبیعی، مردم‌شناسی و زبان‌شناسی دارد (۲).

۶. آثار باستانی درون شهر و حومه:

۱- آینه‌خانه مفخم:

بانی بنا: یار محمدخان سهام الدوله بجنوردی (سردار مفخم) / قدمت: قاجاریه / کاربری: دارالحکومه سردار مفخم
عمارت مذکور با دارا بودن یک نما و یک ورودی اصلی و راهروی مرکزی با دو سبک کاشی‌کاری هفت‌رنگ و معقلی زیبا در طرح‌های انسانی، حیوانی، اسلیمی، هندسی و بنایی تزئین گردیده است. طبقه دوم بنا دارای تالار آینه‌ای می‌باشد که بدنه‌ها و سقف آن با تکنیک آینه‌کاری منظم هندسی و اسلیمی تزئین یافته است. تعداد ۱۳۴ قطعه عکس از پادشاهان و رجال و مشاهیر سیاسی و سرداران نظامی دوره قاجار در دو ردیف پیرامون قسمت گیلویی سقف تالار، داخل قاب شیشه‌ای جا گرفته است. تالار دارای دو درب چوبی معرق‌کاری نفیس می‌باشد که به اتاق‌های هم‌جوار ارتباط دارد.

۲- عمارت مفخم:

بانی بنا: یار محمدخان سهام الدوله بجنوردی (سردار مفخم) / قدمت: قاجاریه / کاربری بنا: اندرونی سردار مفخم
بنای عمارت مفخم از شاخص‌ترین، زیباترین و پابرجاترین بناهای دوره قاجار است که در دوطبقه و به ابعاد ۲۲/۵۰×۴۸/۸۰ با دو ایوان شمالی و جنوبی که به وسیله کاشی‌کاری معقلی، معرق و هفت‌رنگ در طرح‌های اسلیمی، ختائی، مناظر طبیعی، انسانی و هندسی در رنگ‌های متنوع تزئین شده است. این بنا دارای ۳۲ اتاق و دو تالار بزرگ به نام‌های تالار آینه و تالار موزه در طبقه دوم که به سبک آینه‌کاری، کاشی‌کاری و گچ‌بری کم‌نظیر مزین بوده است.

۳- پارک بش قارداش:

مجموعه تفریحی تاریخی بش قارداش از دو فضا تشکیل یافته است:

الف- مقبره بش قارداش: این بنا مجموعه‌ای است از دو ایوان کوچک و دو اتاق و یک ایوان بزرگ در مرکز، با چهار گل دسته رو به غرب که تمامی نمای آن به وسیله کاشی هفت‌رنگ در طرح‌های هندسی و گل و گیاه بارنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، زرد و ... تزئین گردیده است. گنبد خانه بنا دارای یک گنبد دو پوشش کاشی‌کاری با ساقه‌ای از تلفیق کاشی و آجر به صورت گل چینی اجرا گردیده و فضای زیرین آن به وسیله کاشی، آینه و گچ‌بری تزئین یافته و محل دفن سردار مفخم فرمانروای ممالک بجنورد، استرآباد اسفراین، جاجرم و سبزوار در دوره ناصرالدین‌شاه بوده است. این فضا دارای یک سنگ‌قبر به تاریخ ۱۳۲۰ هـ ق و دو لوح سنگی مرمر حاوی شرح حال سردار و وقف نامه مجموعه می‌باشد که در دیوار شرقی نصب گردیده است.

ب- چشمه آب معدنی: این چشمه پرآب که دارای خواص درمانی منحصر به فردی می‌باشد با دو استخر زیبا و درختان کهن سال، فضایی سرسبز، محیطی فرح‌بخش و با طراوت را ایجاد نموده است.

۴- مقبره کشته‌شدگان واقعه لهاک خان:

در داخل باغی و بر فراز تلی خاک، بنایی آجری به ابعاد $۶/۸۰ \times ۶/۵۰$ و ارتفاع $۴/۸۰$ قرار گرفته که نمای بیرونی آن به وسیله آجرهای نقش برجسته با دو طرح در داخل قاب چه هائی در چهار ضلع بنا کار شده است. این بنا دارای یک گنبد فیروزه‌ای است که در فضای زیرین آن تعدادی از کشته‌شدگان واقعه دفن گردیده‌اند. (سردار لهاک خان سالار جنگ یکی از فرماندهان قشون خان محمدخان بود که علیه حکومت مرکزی در زمان رضاخان طغیان کرد).

۵- کاروانسرای سبزه میدان:

این کاروانسرا که در ضلع غربی سبزه میدان واقع گردیده، در اوایل سده سیزدهم هجری ساخته شده است. ۴۳ متر طول و ۴۲ متر عرض آن را تشکیل می‌دهد و در چهار طرف محوطه آن ۲۶ غرفه آجری به چشم می‌خورد که سقف آن‌ها با تیر چوبی پوشانده شده است. در مقابل غرفه‌ها، ایوانی سراسری به عرض $۲/۵$ متر در چهار طرف کاروانسرا وجود دارد که دارای درگاهی‌هایی قوسی شکل است. $۳/۲۰$ متر عرض و $۲/۷۰$ متر ارتفاع این درگاه‌هاست و ستون‌هایی به قطر ۷۰ سانتی‌متر ایوان را برپا نگهداشته است. در این کاروانسرا که از آثار سردار معزز می‌باشد، زمانی قپان قدیم شهر نصب بوده و کالاهایی که به بجنورد وارد یا از آن خارج می‌گردید، در آنجا توزیع می‌شد. دروازه کاروانسرا در ضلع شرقی واقع شده است.

۶- کاروانسرای سردار:

این کاروانسرا که در حاشیه خیابان شهید بهشتی جنوبی قرار دارد، از آثار اواخر سده دوازدهم هجری قمری است. طول کاروانسرا ۳۲ متر و عرض آن ۲۶ متر و دارای دروازه چوبی به ابعاد $۲/۷ \times ۳$ متر در ضلع شرقی است. سطح محوطه کاروانسرا پایین‌تر از خیابان بوده و در اطراف آن ۱۳ حجره به چشم می‌خورد. مصالح به کاررفته در بنا، آجر، خشت خام و تیر چوبی است. حجره‌های $۲/۵$ متر عرض و $۵/۸۰$ متر طول و $۲/۳۰$ متر ارتفاع دارد و سقف آن ضربی است.

طبقه فوقانی دارای ۱۵ اتاق است که با تیر چوبی پوشش گردیده، ضخامت دیوارها نیم متر و درهای چوبی آن $۱/۰۸$ متر عرض و $۲/۴۰$ متر ارتفاع دارد. از این کاروانسرای قدیمی برای استراحت کاروانیان، قراول خانه و مکان دادوستد استفاده شده است و در دوره قاجاریه فراشان، مجرمین را در این محل به درخت بسته و تنبیه می‌کردند. به گفته معمرین، گاهی افراد متمول را برای گرفتن باج در این محل به فلک می‌بستند (۳).

۷. جاذبه‌های گردشگری خراسان شمالی

هنر و صنایع دستی

حضور قومیت‌ها با فرهنگ‌های متنوع، هم‌نشینی جذاب و درخور تحسینی را برای تولیدات صنایع دستی فراهم آورده است؛ بنابراین بسیاری از نقوش، طرح‌ها و تکنیک‌ها از قومی به قوم دیگر راه یافته، به گونه‌ای که می‌توان مجموعه هنرهای سنتی و صنایع دستی خراسان شمالی را چشم‌اندازی بدیع از تکامل اندیشه‌ها دانست. صنایع دستی عمدتاً در نقاط روستایی استان متمرکز بوده و سهم بسزایی در اقتصاد خانواده‌ها دارد. با توجه به قرار گرفتن استان در مسیر عبور زائران ثامن الحجج (ع) موقعیت مناسبی جهت تولید، ترویج و ارائه صنایع دستی وجود دارد.

مهم‌ترین هنرهای سنتی و صنایع‌دستی استان شامل گلیم‌بافی، سفره کردی، نساجی سنتی چادرشب بافی و ابریشم‌بافی، چوخه بافی، چاروق دوزی، کلاه کُرکی، نمدمالی، جاجیم‌بافی، فرش و قالیچه، پستی، ساخت سازه‌های سنتی، جوراب‌بافی، رودوزی و تهیه لباس‌های محلی است.

در بین هنرها و صنایع‌دستی استان، بافته‌های داری مانند فرش، قالیچه و پستی ترکمنی به دلیل نقوش بسیار زیبا، تنوع رنگ، شکل هندسی و شکستگی خطوط، اصالت طرح و کیفیت مناسب از جایگاه ویژه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی برخوردارند (۱).



شکل (۳). چادرشب بافی



شکل (۲). جاجیم و سفره‌های جاجیمی

۸. مناطق تاریخی، گردشگری بجنورد:

جدول (۱). آثار و بناهای گذشته و حال شهرستان بجنورد

نام اثر	نوع آثار باستانی
برج منظر- ارگ حکومتی- محلات- مساجد (جامع و ...) - حمام‌ها (حمام مرمر حکومتی و ...) باغ‌ها و عمارت‌ها (باغ فواره، دلگشا، عمارت امیریه و ...) - قنات‌های بجنورد	آثار و بناهای از بین رفته
امامزاده سید ابراهیم پیغو- شاهزاده ابراهیم چهار برج- شاهزاده ابراهیم شاه اجاق- شاهزاده ابراهیم فخرالدین- شاهزاده ابراهیم قلعه جق- شاهزاده ابراهیم بن موسی- امامزاده اسماعیل (بابا امان)- معصوم زاده بجنورد- امامزاده علی- امامزاده محمدباقر اسفیدان- امامزاده نوده چناران- امامزاده نوده- امامزاده سید هادی.	آرامگاه‌ها
باغ حصار- باغ علی‌آباد.	باغ‌ها
برج اسفیدان- برج‌های باغچق- برج‌های سیساب- سنگر کوه کمر	برج‌ها
آق تپه - آق مشهد، ارگ قلعه جق - ایلان تپه - بلند قلعه درتوم - تاتارتپه - تاتارتپه پایین - تاش قلعه اسفیدان - تپه آسیاب احمد بیک - تپه اجاق - تپه‌های اسدلی - تپه امام قلی - تپه انجیر - تپه بلبل - تپه پولاد زنجیر - تپه تخت گزر - تپه چندرباغ - تپه حصارگرمخان - تپه خزینه قزلقان - تپه درویش آباد - تپه‌های رختیان - تپه ریزه سنگ - تپه سرفان - تپه سفید - تپه سورک محمود - تپه مندل آباد - تپه قاپاق - تپه قورچ - تپه‌های کلاته نقی - تپه کله داشه - تپه کوه بیگلر - تپه کهنه قلعه ممو - تپه گلک - تپه گلور سریوان - تپه گلور قلعه عزیز - تپه گنواب - تپه گندم - تخته قلعه - تخته له - تخته میرزا - تن دوره - ده ریزه - زمان بیگ تپه - سریوان تپه - غلامرضا تپه.	تپه‌ها و محوطه‌های باستانی

قلعه‌ها	قلعه بابا امان - قلعه گرمخان - قلعه یل چشمه - قل طاق - قلعه بالاسر - قلعه برفان اسفیدان - قلعه برفان کلاته سراب - قلعه تپه - قلعه تپه ریز - قلعه چی - قلعه حصارگرمخان - قلعه خینگه - قلعه شیخ - قلعه قاضی - کهنه قلعه نجف‌آباد - قلعه مرز - کلاته محمدولی آقا - کهنه قلعه برنقر - کهنه قلعه بیدک - کهنه قلعه چهار برج سفلی - کهنه قلعه چهار برج علیا - کهنه قلعه درصوفیان - کهنه قلعه رئين - کهنه قلعه رشوانلو - کهنه قلعه رشوانلو - کهنه قلعه شاه اجاق - کهنه قلعه شرتیغه - کهنه قلعه شیخ - کهنه قلعه فیروزه - کهنه قلعه قورچی - کهنه قلعه قوش کهنه - کهنه قلعه کی کی - کهنه قلعه نوده - کهنه کند - بیژن یورد - نارین قلعه.
حسینیه‌ها	جاجرمی (داخل محله)
زیارتگاه‌ها	خاتون‌ها (بی‌بی صنم، چهل قیز، خاتون قیامت، شاه خاتون) - مزارها (امامزاده باقر خان، امامزاده قاضی، پیر جوانمرد، پیر قاضی، پیر گلی، پیر نجف‌آباد) - نظرگاه‌ها (نظرگاه اجاق و ...)
عمارت‌ها خانه‌ها	آیینه‌خانه - عمارت خسرو خان - قلندر بیگ - عمارت مفخم -

(۲)

۹. نتیجه‌گیری

از دیدگاه یک محقق، آداب‌ورسوم یک ملت و نحوه‌ی رفتار روزمره‌ی آنان با یکدیگر، قابل توجه و تأمل است. آداب‌ورسوم از جمله زیرمجموعه‌های فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود. توسعه و تکامل جامعه وابستگی تام به تعالی فرهنگی آن جامعه دارد و تعالی و رشد آداب‌ورسوم آن جامعه. آداب‌ورسوم، آیین تمام نمای فرهنگ و تمدن در هر جامعه و به‌عنوان یکی از بارزترین و شاخص‌ترین عناصر هر فرهنگ محسوب می‌شود. همیشه و در هر تمدنی، بازار مبادله اجزای فرهنگی، رونق دارد و آداب‌ورسوم نیز به‌عنوان جزئی از فرهنگ، از این قاعده مستثنا نبوده و در جریان این تبدلات، دچار تغییر و تحول و نیز تأثیر در فرهنگ دیگر شده است.

معماری بومی در هر مقطعی از تاریخ کاربردی است. معماری بومی با آنکه در طول تاریخ دستخوش پدیده‌های دگرگون‌کننده بوده، توانسته هویت ویژه‌ی خود را حفظ کند، و از آنجاکه شناسنامه‌ی معتبری از مردم یک سرزمین به شمار می‌رود، نمایانگر آداب‌ورسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر آنان است.

نقش محیط طبیعی و شرایط اقلیمی نیز در شکل‌گیری معماری بومی نمایان می‌شود. اما در رهگذرهای این جهان پهناور، درمی‌یابیم که در اقلیم‌های مشابه، معماری‌های بومی متفاوتی مشاهده می‌شوند، چراکه تأثیرات فرهنگی یک جامعه است که چنین تمایزی را موجب می‌شوند. زیرا هر جامعه، در رابطه با جهت‌گیری‌ها و تحرکات درونی و برخورد‌هایش با جامعه دیگر شکل می‌پذیرد و فرهنگ، با استیلائی که بر ساخت جامعه دارد و در ارتباط با پدیده‌ها و رویدادهای روزمره آن، همچنان در طول زمان به‌صورت مؤلفه‌ای ناگسستنی از مردم ساکن سرزمین‌ها در جریان است. علاوه بر آن، فرهنگ، مبتنی بر خصوصیات سرزمینی و بر مجموعه رویدادهای تاریخی، دارای قدرتی شگرف بر انگیزه‌های انسان‌هاست و به صورتی فعال در روند شکل‌گیری معماری بومی تأثیرگذار است.

امروز، امکانات تکنولوژیک مدرن و بازتاب‌های زندگی صنعتی شده در تغییر شکل روند تولید فضای معماری گذشته تأثیرات قابل توجهی داشته‌اند و دو دورانی را چنان گسسته از یکدیگر به وجود آورده‌اند که پیوند آن‌ها بسیار مشکل به نظر می‌رسد. درست است که راهی دشوار برای تولید فضای معماری به مقیاس انسانی در پیش داریم. اما تکیه بر روشی صحیح و منطقی در شناخت فرهنگ ملی و بازگشت به خود می‌توانیم نه از دیدگاهی انتزاعی، بلکه از طریق اندیشه‌ای فعال به بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق و کامل این گسستگی بپردازیم و باید در نظر بگیریم که معماری هنری است اجتماعی و رشد کند فرهنگی و عدم آگاهی افکار عمومی رابطه‌ای مستقیم با چگونگی این گسستگی دارند.

حال به منظور این جریان نامطلوب، در شرایطی که شناخت عوامل مختلف محیطی و پیوندهای غیرقابل انکار آن ناممکن می‌نماید، در تنظیم فضاهای زیستی ما نیازمند فرهنگی هستیم نو، چراکه در واقع آنچه فرهنگ معماری گذشته به صورت یک سنت در خود داشته است امروزه تنها به صورت پیکری بی‌جان پیش روی ماست. و طبیعتاً جوامع امروز در پی کشف و استفاده از ارزش‌های گذشته، ناگزیر به جست‌وجو و کنکاش در شناخت ارزش‌های ناآشنا و فراموش شده در خود است. معماری بومی که در گذشته ارائه گردیده است، درس‌هایی برای حل بسیاری از مشکلات که اکنون با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، بیاموزیم و بکار بندیم.

۱۰. منابع و مآخذ

- ۱- استانداری خراسان شمالی، معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۸۹، سالنامه آماری استان خراسان شمالی سال ۱۳۸۸.
- ۲- انصاری مود، محمدحسین و سعید معصومی، ۱۳۸۹، در جستجوی هویت شهری بجنورد، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۳- حبیب، فرح؛ حسینی، اکرم، تحلیلی از معماری معاصر ایران، در رویارویی با پدیده جهانی شدن، ۱۳۸۹، نشریه هویت شهر، شماره ۶.
- ۴- راپورت، آموس، ۱۳۸۸، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند، چاپ اول، تهران.
- ۵- صادقی، ناهید، ۱۳۹۱، تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی ایران، نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۲.
- ۶- عباسیان، علی‌اکبر و احسان سیدی زاده، ۱۳۷۲، دانشوران بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد.
- ۷- کسمائی، مرتضی، ۱۳۸۷، اقلیم و معماری، نشر خاک، اصفهان.
- ۸- گل محمدی، احمد، ۱۳۸۱، جهانی‌شدن فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی.
- ۹- متولی حقیقی، یوسف، ۱۳۸۷، تاریخ تحولات سیاسی شهرهای خراسان شمالی از آغاز تا انقلاب اسلامی، نشر آهنگ قلم، مشهد.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
- ۱۱- معماریان، غلامحسین، ۱۳۸۷، معماری ایرانی، تهران، نشر سروش دانش.
- ۱۲- مهدوی پور، حسین، ۱۳۷۷، مقدمه‌ای بر تأثیر فرهنگ در معماری، نشریه مسکن و انقلاب، فصلنامه تخصصی بنیاد مسکن انقلاب، تهران.